



The Components of the Social Self in the Islamic Lifestyle Based on Ayatollah Javadi Amoli's Interpretation of the Holy Qur'an

Zahra Sadat Pour SeyyedAghaei¹, Fatemeh Ghaseminaei²

¹ Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). zspasghaei@alzahra.ac.ir

² Department of Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
FatemeHghasemi3030@gmail.com

Abstract

Lifestyle, as a set of human actions and behaviors, is shaped by the worldview, anthropology, and fundamental beliefs of a particular thought system. This thought not only affects the individual self but also influences the social self of human beings. The present study aims to identify the components of the social self in the Islamic lifestyle based on Ayatollah Javadi Amoli's interpretation of the Holy Qur'an. This research seeks, through an in-depth examination of Qur'anic concepts, to introduce the principles and characteristics of the just social self as one of the dimensions of the Islamic lifestyle, thereby providing a foundation for constructive social interactions. The research adopts a qualitative approach and employs Schleiermacher's classical hermeneutics for data analysis. This method enables the researcher to attain a deeper understanding of the components of the social self in the Islamic lifestyle through a precise examination of Qur'anic texts and concepts. Classical hermeneutics, particularly in Schleiermacher's method, with its emphasis on profound understanding of the text and uncovering the interrelations among its different elements, is recognized as one of the most powerful tools for analyzing religious texts. This approach, by considering the historical, cultural, and linguistic contexts of the text, endeavors to reveal the original meaning and intended purpose of the author or speaker with greater precision. Such a method not only assists in comprehending the apparent details of the text but also provides access to its hidden layers and deeper concepts. In religious texts, which are often replete with metaphors, multilayered meanings, and fundamental principles, classical hermeneutics can serve as an effective tool for extracting intellectual and ethical foundations. Through analyzing the overall structure of the text and the interconnections among its components, this method helps the researcher arrive at a comprehensive and coherent interpretation that can be applied not only at the semantic level but also at the practical level. The findings revealed

Cite this article: Pour SeyyedAghaei, Z.S. & Ghaseminaei, F. (2023). The Components of the Social Self in the Islamic Lifestyle Based on Ayatollah Javadi Amoli's Interpretation of the Holy Qur'an. *Quran and Psychology*, 2(1), p. 183-204.

Received: 2022-12-06 ; **Revised:** 2022-12-26 ; **Accepted:** 2023-01-24 ; **Published online:** 2023-04-04

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



that human self-perception in relation to others (the social self) may develop at two evolutionary levels: at the lower level, the unjust social self, and at the higher level, the just social self, which constitutes one of the characteristics of the Islamic lifestyle. The components of the just social self include: observing social justice, mutual understanding, expansion of affection, empathy, recognition of intellectual diversity, attentive listening and careful selection, the principle of differentiation, integrity and sincerity, respect, benevolent relations, and dialogue at the level of comprehension of interlocutors. These components, derived from Qur'anic teachings, represent principles that can direct social interactions toward constructiveness and cooperation. Identifying the components of the just social self based on the verses of the Holy Qur'an can provide the groundwork for establishing an Islamic lifestyle and fostering positive social interactions. These components not only contribute to strengthening individual and social relationships but also create an appropriate foundation for cooperation and social participation. The Islamic lifestyle, with its emphasis on justice, affection, and mutual respect, can build a balanced and harmonious society in which individuals engage in collaboration and empathy rather than unhealthy competition. By presenting the principles of the just social self, this research takes a step toward achieving this goal and offers a practical strategy for enhancing social interactions in an Islamic society.

Keywords: Social Self, Islamic Lifestyle, Self-Perception, Javadi Amoli, Holy Qur'an.



مؤلفه‌های خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی مبتنی بر برداشت جوادی آملی از قرآن کریم

زهره سادات پورسیدآقای^۱، فاطمه قاسمی نیائی^۲

^۱ گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، zpsaghaei@alzahra.ac.ir
^۲ گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Fatemehghasemi3030@gmail.com

چکیده

سبک زندگی، به عنوان مجموعه‌ای از افعال و رفتارهای انسان، براساس جهان‌بینی، انسان‌شناسی و باورهای بنیادی یک تفکر شکل می‌گیرد. این تفکر نه تنها خود فردی انسان، بلکه خود اجتماعی او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌های خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی براساس برداشت آیت‌الله جوادی آملی از قرآن کریم است. این تحقیق در تلاش است تا با بررسی عمیق مفاهیم قرآنی، اصول و ویژگی‌های خود اجتماعی عادل را به عنوان یکی از ابعاد سبک زندگی اسلامی معرفی کند و زمینه‌ای برای تعاملات اجتماعی سازنده فراهم آورد. رویکرد پژوهش حاضر کیفی بوده و از روش هرمنوتیک کلاسیک شلایر ماکر برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با بررسی دقیق متون و مفاهیم قرآنی، به درک عمیق‌تری از مؤلفه‌های خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی دست یابد. هرمنوتیک کلاسیک، به ویژه در روش شلایر ماکر، با تأکید بر فهم عمیق متن و کشف ارتباطات میان اجزای مختلف آن، به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند در تحلیل متون دینی شناخته می‌شود. این رویکرد با در نظر گرفتن زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و زبانی متن، تلاش می‌کند تا معنای اصلی و مقصود نویسنده یا گوینده را با دقت بیشتری آشکار سازد. چنین روشی نه تنها به درک جزئیات ظاهری متن کمک می‌کند، بلکه امکان کشف لایه‌های پنهان و مفاهیم عمیق‌تر را نیز فراهم می‌آورد. در متون دینی، که اغلب سرشار از استعاره‌ها، مفاهیم چندلایه و اصول بنیادین هستند، هرمنوتیک کلاسیک می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد برای استخراج اصول فکری و اخلاقی به کار رود. این روش با تحلیل ساختار کلی متن و ارتباط میان اجزاء، به پژوهشگر کمک می‌کند تا به تفسیری جامع و منسجم دست یابد که نه تنها در سطح معنایی، بلکه در سطح کاربردی نیز قابل استفاده باشد. یافته‌ها نشان داد ادراک انسان از خود در ارتباط با دیگران (خود اجتماعی) در دو سطح تحولی می‌تواند شکل بگیرد: در سطح نازل، خود اجتماعی ظالم و در سطح متعالی، خود اجتماعی عادل که از ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی است. مؤلفه‌های خود اجتماعی عادل عبارتند از: رعایت عدالت اجتماعی، درک متقابل، بسط محبت، همدلی، توجه به تمایز اندیشه‌ها، گوش سپاری و به‌گزینی، اصل تمایز، یکپارچگی و خلوص، احترام، رابطه‌ی حسنه و گفتگو در سطح فهم مراجع. این مؤلفه‌ها براساس آموزه‌های قرآنی استخراج شده‌اند و نشان‌دهنده اصولی هستند که می‌توانند تعاملات اجتماعی را به سمت سازندگی و تعاون هدایت

استناد به این مقاله: پورسیدآقای، زهره سادات؛ قاسمی نیائی، فاطمه (۱۴۰۲). مؤلفه‌های خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی مبتنی بر برداشت جوادی آملی از قرآن کریم. *قرآن و روان‌شناسی*، ۲(۱)، ص ۱۸۳-۲۰۴.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



کنند. شناخت مؤلفه‌های خود اجتماعی عادل براساس آیات قرآن کریم، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد سبک زندگی اسلامی و تعاملات مثبت اجتماعی شود. این مؤلفه‌ها نه تنها به تقویت روابط فردی و اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه بستر مناسبی برای تعاون و مشارکت اجتماعی فراهم می‌آورند. سبک زندگی اسلامی، با تأکید بر عدالت، محبت و احترام متقابل، می‌تواند جامعه‌ای متعادل و هماهنگ ایجاد کند که در آن افراد به جای رقابت ناسالم، به همکاری و همدلی بپردازند. این پژوهش با ارائه اصول خود اجتماعی عادل، گامی در جهت تحقق این هدف برداشته و راهکاری عملی برای ارتقای تعاملات اجتماعی در جامعه اسلامی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: خود اجتماعی، سبک زندگی اسلامی، ادراک خود، جوادی آملی، قرآن کریم.

۱. مقدمه

در اندیشه دینی، جامعه دینی جامعه‌ای است که مردم آن به داوری «دین» در مورد رفتار و اعمالشان تن می‌دهند و معیارهای دین را در مورد رفتار و اعمال و باورهایشان می‌پذیرند. به عبارت دیگر، می‌توان جامعه دینی را «جامعه دین مدار» دانست. شاخص چنین جامعه‌ای، مدینه النبی و جامعه علوی است. برای نیل به چنین جامعه‌ای باید مفهوم «جامعه دین مدار» را در سایه مبانی و اصول مشترک آن، در یک مجموعه واحد در قالب مفهوم «سبک زندگی اسلامی» بازکوی و جست‌وجو کرد. اجمالاً سبک زندگی اسلامی، سبکی است که انسان باید در پرتو عقل و شرع، توأمان مسیر خود را مشخص کند و از مسیر حق و حقیقت منحرف نگردد. این هدف، آنگاه امکان تحقق دارد که مؤلفه‌هایی را رعایت کند؛ مؤلفه‌هایی که در قالب اصول و مبانی مشترک یا همان خدامحوری، معنا و مفهوم می‌یابد (فولادی، ۱۳۹۲). در سبک زندگی اسلامی، افراد تحت لوای فرهنگ و روش رفتاری واحد که برگرفته از تعالیم دینی است، دارای هویت دینی هستند. به عبارت دیگر، این دین است که در قالب ارائه برنامه‌های مدون، سعادت زندگی دنیوی و اخروی جمعی انسان‌ها، به‌ویژه مؤمنان را تضمین می‌کند. تأسیس چنین جامعه دینی، همواره بزرگ‌ترین آرمان ادیان الهی بوده است. انسان دینی باید با پابندی به آموزه‌های برگرفته از دین، در پی تحقق حیات طیبه‌ای باشد که دین، وعده آن را داده است. در این میان، مؤلفه اجتماع و روابط اجتماعی برای دین اهمیت به‌سزایی دارد. بسیاری از معارف و آموزه‌های اسلامی تنها در پرتو اجتماع معنا و مفهوم می‌یابند؛ تا آنجا که بسیاری از معارف اخلاقی و دینی در اسلام، مشروط به جمع و جماعت شمرده شده است. بسیاری از فضایل اخلاقی و قوانین فقهی، حقوقی و علمی علاوه بر آثار فردی، در شکل‌گیری هویت اجتماعی و شاکله سبک زندگی اسلامی مؤثر هستند (فولادی، ۱۳۹۲). مفهوم سبک زندگی از جمله واژگانی است که اخیراً وارد ادبیات ما شده و آثار مکتوب در این زمینه بسیار اندک است؛ به‌ویژه در زمینه ویژگی‌های زیست اجتماعی انسان دینی، اما از کتاب‌ها و مقالات می‌توان به‌طور پراکنده این ویژگی‌ها را استخراج کرد.

سبک زندگی، عقاید و فرض‌های اساسی است که فرد از طریق آنها واقعیت خودش را سازمان می‌دهد و شامل ارزش‌ها و برداشت‌های انسان در ارتباط با خود، خدا، دیگران و جهان است و در اصل، روش خاصی برای حرکت به سمت اهداف زندگی و غلبه بر مشکلات است (کوری^۱، ۲۰۰۵). سبک زندگی، الگوی همگرا یا مجموعه مختلفی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌هایی است که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند؛ یا به‌طور اختصار، سبک زندگی، الگو یا مجموعه نظام‌مند کش‌های مرجع تعریف می‌شود (ذکایی، طالبی و انتظاری، ۱۳۹۶). هر مکتب و مذهبی، مبتنی بر جهان‌بینی خود، برای

1. Corey

بشریت سبک زندگی ارائه می‌دهد. «جهان‌بینی» برداشتی است که یک شخص یا یک مکتب درباره جهان دارد؛ به عبارت دیگر، جهان‌بینی تفسیر انسان و نوع نگاه او نسبت به جهان است (محمد میرزائی، ذوالفقاری و حفیظی نافچی، ۱۳۹۸). جهان‌بینی و هستی‌شناسی، یا الهی است و یا الحادی (مادی). هستی‌شناسی الحادی، همه هستی را در نشئه طبیعت خلاصه می‌کند و حیات انسان را نیز منحصر در عالم طبیعت و ماده می‌داند. در این نگاه، صرفاً سعادت و لذت دنیوی برای انسان ارزش شناخته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷)؛ در حالی که هستی‌شناسی الهی، هستی را منحصر در ماده ندانسته و اصل انسان را نیز فطرت او می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ب). امروزه بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران به مفهوم سبک زندگی اسلامی توجه می‌کنند. سبک زندگی اسلامی مبتنی بر هستی‌شناسی الهی است که گستره شناخت، عواطف، نیات و رفتار فرد را در طول زندگی دنیای مادی تا معنوی برای نیازهای دنیا تا آخرت وی در همه ابعاد پوشش داده است (ملایی و همکاران، ۱۴۰۱). انسان معتقد و پاینده به دین اسلام، از یک سو باید به مجموعه جهان‌بینی باور داشته و معتقد باشد و از سوی دیگر باید براساس همان جهان‌بینی، رفتار و عمل و کنش خود را مطابق بایدها و نبایدها، به‌منصه ظهور برساند. مجموعه این دو، سبک زندگی یک مسلمان معتقد و به‌اصطلاح انسان دینی را در جامعه اسلامی نشان می‌دهد (حسین‌پور، بلایی اسکویی و کی‌نژاد، ۱۳۹۶). شاخص‌های سبک زندگی اسلامی عبارتند از: شاخص عبادی، که به وظایفی از زندگی اشاره دارد که رابطه بین فرد و خداوند را نشان می‌دهد؛ شاخص باورها، که به مفاهیم درونی اشاره دارد که به‌طور مستقیم وظایف رفتاری زندگی نیستند، اما در لایه‌های زیرین عاطفی و شناختی حضور دارند؛ و شاخص اجتماعی، که به شناخت و درک انسان از خود در ارتباط با دیگران و وظایفی که نسبت به اجتماع دارد اشاره می‌کند. ادراک فرد از خود در ارتباط با دیگری، به معنای مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و مفاهیمی است که در بستر روابط انسانی معنا پیدا می‌کند و شامل کنش‌ها یا رفتارهایی است که فرد در پاسخ به کنش‌ها یا رفتارهای دیگران از خود نشان می‌دهد و در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد (سلم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴).

خاستگاه پیدایش رابطه میان سبک زندگی و من اجتماعی، نظریه بوردیو^۱ درباره نقش سبک زندگی در شکل‌گیری خودهای اجتماعی است. بوردیو سبک زندگی را به مثابه نوعی نظام‌مندی در نظر می‌گیرد. این نوع نظام‌مندی که ریشه در عادت‌واره دارد، در تمام ویژگی‌ها و دارایی‌هایی که افراد و گروه‌ها در اطراف خود جمع می‌کنند، دیده می‌شود؛ وسایلی از قبیل مبلمان، لباس، خانه، اتومبیل و فعالیت‌هایی مانند انواع ورزش‌ها و بازی‌ها و سرگرمی‌ها که افراد از طریق آن، تشخیص و تمایز خود را نشان می‌دهند. از دید بوردیو، سبک زندگی مجموعه متحدی از ترجیحات تمایزبخش است که قصد ابرازگری دارد. به اعتقاد وی، افراد با پیروی از سبک زندگی متفاوت، خودهای متفاوتی را ابراز می‌کنند و هویت‌های متفاوتی

1. Bourdieu

می‌یابند (مارکوس و بورس بوم^۱، ۲۰۱۳). تغییر در سبک زندگی، تغییر در هویت یا خود اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. گیدنز^۲ نیز بر چگونگی شکل‌گیری هویت شخصی در چارچوب سبک زندگی تأکید دارد. به نظر او درک فرد از خود، بستگی مستقیمی به استقرار پیوندهای اجتماعی و تعامل خود و جامعه دارد (کسل^۳، ۱۳۹۶). خود اجتماعی در رابطه با تعامل با دیگران تعریف می‌شود و برای آن، سه عنصر متفاوت در نظر گرفته‌اند: عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه با سبک زندگی خاص تعلق دارد) و عنصر ارزشی (فرض‌هایی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت در گروهی با یک سبک زندگی خاص) و عنصر احساسی (احساسات نسبت به تعلق داشتن به گروهی از افراد با سبک زندگی خاص). بنابراین، من یا خود اجتماعی، یعنی آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در یک گروه اجتماعی با سبک زندگی خاص سرچشمه می‌گیرد و با اهمیت احساسی و ارزشی پیوسته با آن عضویت همراه است (هورنسی^۴، ۲۰۰۸). دین اسلام نیز، براساس بنیادهای فکری خود برای تحقق سبک زندگی اسلامی در جامعه، نگاه خاصی به زیست اجتماعی انسان دارد؛ لذا، به‌دقت روابط انسان‌ها با یکدیگر را سامان می‌دهد و نظم می‌بخشد. حتی در آنجایی که درباره وظایف فردی انسان صحبت می‌کند، باز هم سعی می‌کند یک نگاه اجتماعی را اِشْراب کند و به آن عمل، بُعد اجتماعی بدهد؛ یعنی عمل را صرفاً فردی نبیند. خواجه نصیر طوسی در کتاب «اخلاق ناصری»، بحث نماز را مثال می‌آورد و می‌گوید که اصل نماز شاید عملی فردی باشد، ولی این عمل فردی به اقتضائاتی دارای پیامدها و اثرها و کارکردهای اجتماعی متنوع است. درباره نماز فردی که اصلش رابطه انسان با خدا است، نه رابطه انسان با انسان دیگر، گفته شده است به جماعت بخوانید و این جماعت را در روز چندبار تکرار کنید و در مسجد بخوانید. مسجد، محلی است برای ارتباط افراد یک محله که حول یک محور (خدمات‌محوری) بسط یافته‌اند و دارای بینش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و باورهای خاص هستند؛ تا بدین‌وسيله سبک زندگی اسلامی را در محله خود شکل بدهند (طوسی، ۱۳۹۹). از نگاه اسلام حتی عملی که بین انسان و خدا است، دارای ابعاد و تأثیراتی در رابطه انسان با انسان می‌شود و فقط یک عمل فردی محض نیست. مشهود است که جامعه اسلامی یا به اصطلاح حیات طیبه‌ای که اسلام وعده تحقق آن را داده، در گرو شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی است؛ به نحوی که هویت دینی افراد در جامعه از طریق سبک زندگی آنها تولید و بازتولید می‌شود (دییاجی و توکل‌نژاد، ۱۳۹۵).

پژوهش‌های مختلفی ارتباط سبک زندگی و خود اجتماعی را بررسی کرده‌اند: به‌طور مثال، کینگ و چرچ^۵

1. Markus & Borsboom

2. Giddens

3. Cassell

4. Hornsey

5. King & Church

(۲۰۱۳) رابطه سبک زندگی روستایی را با ایجاد هویت اجتماعی در جوانان بررسی کرده‌اند؛ فرناندز جیسوس، لیما و سابوسدو^۱ (۲۰۱۸) به بررسی نقش متقابل تغییرات سبک زندگی جهانی و تغییر هویت اجتماعی افراد پرداخته‌اند؛ لیو، توماس و هایگ^۲ (۲۰۱۹) به بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و تغییر در هنجارهای اجتماعی و سبک زندگی در بُعد تغذیه پرداخته‌اند. در ایران نیز نایی و محمدی‌تلور (۱۳۹۲) تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی جوانان شهر سمنان، محرم‌زاده و نوری (۱۴۰۰) تأثیر سبک زندگی و هویت اجتماعی از طریق اوقات فراغت در بین دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان و خواجه‌نوری و پرنیان و همت (۱۳۹۳) به بررسی رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی در جوانان شهر بندرعباس پرداخته‌اند. مجموعه این تحقیقات نشان می‌دهند که فرد مجبور است خود اجتماعی‌اش را مبتنی بر نوع سبک زندگی خویش به‌طور مداوم و روزمره بیافریند و در فعالیت‌های خود به‌صورت بازتابی یا بازاندیشانه پشتیبانی کند. آنچه حائز اهمیت است و کمتر بدان پرداخته شده، این است که جهان‌بینی فرد که سبک زندگی وی را می‌سازد، عامل اصلی و محوری در روایتی است که او از خود ابراز می‌کند و در عین حال، «خود» یا هویت او نیز در ورای همین روایت از سوی دیگران، درک و قضاوت می‌شود (نایی و محمدی‌تلور، ۱۳۹۲). با توجه به فقدان پژوهش در این زمینه، تحقیق حاضر به ترسیم چهره انسان دینی (انسانی که دارای سبک زندگی اسلامی است) در ارتباط با دیگران، مبتنی بر برداشت جوادی آملی از قرآن کریم می‌پردازد.

۲. نظام‌واره فکری جوادی آملی درباره خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی

از میان متفکران و دانشمندان در حوزه علوم اسلامی، می‌توان آثار آیت‌الله جوادی آملی را به‌عنوان فیلسوف معاصر، یکی از منابع اصلی و غنی در این حوزه برشمرد. جوادی آملی به‌عنوان نظریه‌پرداز اسلامی معاصر، به انسان به‌گونه‌ای متفاوت از مکاتب الحادی می‌نگرد. جهان‌بینی وی که مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است، ایده‌ای خدامحور است که با تجلی در همه ابعاد زندگی انسان (ارتباط انسان با خود، خدا، دیگران و طبیعت)، خود را می‌نمایاند. از رهگذر جهان‌بینی اسلامی، تحولات گسترده‌ای در ادراک فرد از خود ایجاد می‌گردد. در جهان‌بینی دینی، باورهای اعتقادی انسان مؤمن در رفتارهای او بروز پیدا می‌کند که ثمره آن، سبک زندگی خدامحور، آخرت‌گرا، کرامت‌خواه و جامع‌نگر است و از طرف دیگر، کوچک‌ترین رفتار در زندگی انسان، در رسیدن به تکامل روحی او تأثیرگذار است (نوروزی، ۱۳۹۹). از انسان‌شناسی جوادی آملی اینگونه برداشت می‌شود که خود در ارتباط با اجتماع به دو گونه عمل می‌کند. در یک سطح، انسان در ارتباط با دیگران به این ادراک از خود می‌رسد که ساختار او

1. Fernandes-Jesus, Lima & Sabucedo

2. Liu, Thomas & Higgs

به گونه‌ای است که به تنهایی نمی‌تواند نیازهای خود را تأمین کند و مجبور است برای رفع نیازمندی‌های خود با دیگران به سر ببرد؛ لذا، با دیگران ارتباط برقرار می‌کند تا فقط از آنان نفع ببرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹پ). وجود چنین ادراکی از خود، باعث شده فرد جز به استخدام و استعباد و استثمار دیگران نیاندیشد؛ از همین رو، همان‌طور که از جمادات، گیاهان و انواع حیوانات برای رفع نیاز خود بهره می‌جوید، می‌کوشد دیگران را نیز به استخدام یک‌جانبه خود درآورد. او از سویی، نمی‌تواند تنها زندگی کند و از طرفی، توقع متقابل همنوع خود را می‌یابد. از این رو، ناگزیر به خدمت متقابل و نیز به مراعات اجتماع تن می‌دهد؛ لیکن هرگاه به قدرت و حاکمیت رسد، همه قوانین را زیر پا گذاشته و قوای علمی و عملی را به استخدام یا اسارت خویش درمی‌آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۹س). در این حالت می‌گویند، انسان متوحش بالطبع است؛ یعنی خود را فقط طبیعت بدنی و ماده ادراک می‌کند. لذا، پیرو شهوت و غضب خویش است و جز به بهره‌کشی و کسب سود از دیگران نمی‌اندیشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹پ). در سطح دیگر، انسان در رابطه با اجتماع اینگونه خود را می‌شناسد که من دارای نیازها و استعدادهای متنوعی هستم که با زندگی انفرادی برآورده نمی‌شود و به فعلیت نمی‌رسد؛ لذا، به دیگران می‌پیوندم تا از آنها نفع ببرم و متقابلاً سود هم برسانم. بنابراین، من در رابطه با دیگران باید بر مبنای عدالت اجتماعی و حق محوری رفتار کنم. این سطح از ادراک خود، مقتضای فطرت انسان است نه طبیعت وی. لذا، در این حالت می‌گویند که انسان مدنی بالفطره یا متمدن بالفطره است؛ یعنی انسان فطرتاً خود را متمدن و خداشناس و خواهان عدالت اجتماعی و کمک به هم‌نوعان می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۹س). جوادی آملی معتقد است که خداوند متعال در قرآن کریم با توصیف اصول زیست اجتماعی انسان، مؤلفه‌های ساحت اجتماعی (خود اجتماعی) انسان دینی را تعیین کرده است؛ لذا، هدف این پژوهش، پاسخ به این سؤال اصلی است که خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی و مبتنی بر برداشت جوادی آملی از آیات قرآن کریم دارای چند وجه و نوع است و هر نوع چه زیرمؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی دارد؟

۳. روش تحقیق

نوع تحقیق در این پژوهش، بنیادی بوده و هدف اصلی و اساسی آن افزایش حیطه فهم و دانش درباره الگوهای جدید در حوزه ادراک خود و خود اجتماعی و سبک زندگی اسلامی است. به منظور تعیین مؤلفه‌های خود اجتماعی، ابتدا با استفاده نرم‌افزار اسراء^۱، کلیه کتب جوادی آملی بررسی شد؛ به این صورت که در این بخش، موضوعات مرتبط با انسان‌شناسی اسلامی مانند خودشناسی، فطرت، دیگران، اجتماع، انسان، سبک زندگی، عدالت به روش نمونه‌گیری تئوریک استخراج شدند. محقق با تهیه بیش از

۱. این نرم‌افزار توسط بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء که مسئول نشر آثار آیت الله جوادی آملی است، تولید شده و حاوی کتب ایشان به صورت دیجیتال است.

صدها فیش و استخراج ۵۵۰ کد اولیه از متون جوادی آملی، مطالب را گردآوری نموده و با استفاده از روش هرمنوتیک با هدف کشف معنی و مفهوم نهفته در متن، به تفسیر و تأویل متن پرداخته است. به عبارتی، محقق مبتنی بر دیدگاه شلایر ماکر در هرمنوتیک کلاسیک، ابتدا متن را از افق خود به عنوان خواننده متن استنباط کرده و سپس، با مؤلف هم‌افق شده است. در حقیقت، محقق متن را تفسیر به رأی نکرده است؛ بلکه با مراجعه به متن و ساختار زبانی آن و غور در اعماق متن، سعی کرده ابتدا متن را درک کند و به تیت مؤلف و عقاید او پی ببرد. در اصطلاح، محقق با مؤلف هم‌افق شده است تا بتواند معنای نهفته در متن را استخراج کند (محمدپور، ۱۳۹۲). جهت دستیابی به تفاسیر به‌دست آمده با توجه به هرمنوتیک کلاسیک شلایر ماکر، تفسیر با توجه به ویژگی‌های دستوری و روان‌شناختی متن و مؤلف صورت گرفته و مرحله به مرحله با ادغام افق مؤلف و مفسر و با توجه به تفاسیر جزئی و کلی در دور هرمنوتیک، در نهایت یافته‌ها و تفاسیر پایانی به‌دست آمد. ضمن اینکه در شیوه تفسیر متن، دورویکرد قیاسی و استقرایی نیز در دستور کار قرار گرفت و هر بخش متن با توجه به معنای کلی آن تفسیر شد و تفاسیر کلی نیز بر مبنای تفاسیر جزئی هر بخش، درک و اصلاح گردید. پس از تفاسیر برآمده از متن و ادغام افق مؤلف و مفسر جهت اعتبار و دقت از تفاسیر به‌دست آمده و دوری از سوء فهم، تفاسیر برآمده به پنج تن از متخصصین آگاه به روش هرمنوتیک و آشنا به دیدگاه‌های جوادی آملی داده شده و با تأیید ضمنی آنان، اعتبار تفاسیر به‌دست آمده حاصل شد.

۴. یافته‌ها

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اصلی است که خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی و مبتنی بر برداشت جوادی آملی از آیات قرآن کریم، دارای چند وجه و نوع است و هر نوع، چه زیرمؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی دارد؟ در رابطه با زیست اجتماعی انسان، در مرحله اول دو کد یا مقوله اصلی به‌دست آمد که عبارتند از: خود اجتماعی نازل (ظالم) و خود اجتماعی متعالی (عادل).

جدول ۱- سطوح خود اجتماعی مبتنی بر دیدگاه جوادی آملی

افق جوادی آملی	افق محقق	
موجودی اجتماعی که باید بر مبنای عدالت اجتماعی از دیگران سود ببرد و به آنها سود برساند (مدنیت فطری).	سطح متعالی خود اجتماعی: شکل‌گیری خود اجتماعی عادل در درون انسان.	خود اجتماعی
موجودی اجتماعی که تا آنجا که می‌تواند برای رفع نیازهای خود باید از دیگران سود ببرد (متوحش بالطبع).	سطح نازل خود اجتماعی: شکل‌گیری خود اجتماعی ظالم در درون انسان	

در مرحله بعد در ارتباط با مقوله اصلی «خود اجتماعی عادل»، که شاخصه سبک زندگی اسلامی است، ۲۶۷ کد استخراج شد که بعد از طبقه‌بندی این کدها در مجموع، ۱۱ کد یا زیرمقوله فرعی

استخراج شدند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: عدالت اجتماعی و عدم بهره‌کشی، درک متقابل، بسط محبت، همدلی، توجه به تمایز اندیشه‌ها، گوش‌سپاری و به‌گزینی، اصل تمایز، یکپارچگی و خلوص، احترام، رابطه‌ی حسنه، گفت‌وگو در سطح فهم مراجع.

جدول ۲- مؤلفه‌های خود اجتماعی عادل

مبنای ارتباط اجتماعی	افق جوادی آملی مبتنی بر آیات قرآن	افق محقق
رعایت عدالت اجتماعی مبتنی بر امتثال از فرمان الهی (خود اجتماعی عادل)	انسان به مقتضای فطرتش، آنچه برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز همان را اختیار می‌کند: «چگونه شما که مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید، خود آن را فراموش می‌کنید» (بقره، ۴۴).	درک متقابل
	قرآن کریم مهربانی و حسن خلق را مهم‌ترین عامل جذب مردم می‌داند: «اینها که در اطراف تو جمع‌اند به سبب مهربانی، رأفت و محبت توست و اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی، مردمان از گرد تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران، ۱۵۹).	بسط محبت
	انسان به مقتضای فطرت خود از رنج و زحمت دیگر انسان‌ها ناراحت و از سعادت آنان خوشحال و مسرور می‌شود: «به خاطر دوستی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند» (انسان، ۸).	همدلی
	ارتباط با دیگران از طریق تدبّر و تفکّر در مکتب و عقیده آنان صورت می‌پذیرد: «بلقیس بعد از یک سلسله مناظره و گفت‌وگو با سلیمان، گفت: «خدایا، من به خودم ستم کردم، از اینکه تو را نپرسیدم» (قصص، ۱۶).	توجه به تمایز اندیشه‌ها
	«بشارت بده بندگان را که سخن را می‌شنوند و بهترینش را انتخاب می‌کنند» (زمر، ۱۸).	گوش‌سپاری و به‌گزینی
	انسان‌ها گوناگون‌اند؛ لذا، چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر نیز مختلف خواهد بود: «ای انسان، شما را شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید» (حجرات، ۱۳).	اصل تمایز
	آن‌کس که اعتقاد، اخلاق، عمل و گفتارش هماهنگ‌اند، می‌تواند با دیگران متحد شود و نسبت به پرهیز از اختلاف مواعظ کند: «همانا انسان در خسران است به‌جز آن‌که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند» (عصر، ۲-۳).	یکپارچگی و خلوص
	«با فرزندان امت با حکمت و برهان سخن بگو و متوسّطان را از راه نصیحت و مواعظه به راه خدا دعوت کن و با آن‌ها که خوی جدال و تلاش فکری دارند، از راه جدال احسن مجادله کن» (حج، ۸-۳).	گفت‌وگو در سطح فهم مراجع
	«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگز همدیگر را مسخره نکنید، شاید دیگری از شما بهتر باشد» (حجرات، ۱۱).	احترام
	از آن‌جاکه انسان در احسن تقویم آفریده شده، شایسته پرورش چنین موجودی برخوردی احسن است: «با مردم به زبان خوش سخن بگویند و رفتار کنید» (بقره، ۸۳).	رابطه‌ی حسنه

به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که ادراک انسان از خود در ارتباط با دیگران (خود اجتماعی) براساس تفسیر آیت‌الله جواد آملی از آیات و روایات، در دو سطح تحولی می‌تواند شکل بگیرد: در سطح نازل، خود اجتماعی ظالم و در سطح متعالی، خود اجتماعی عادل. انسان در ارتباط با دیگری، با رعایت نکردن

مؤلفه‌های خود اجتماعی عادل، دچار خودی نازل خواهد شد که در بُعد فردی و اجتماعی به ظلم و فساد علیه خود و دیگری خواهد پرداخت. مؤلفه‌های این دو در تقابل یکدیگر قرار دارند که جهت دوری از اطالة کلام به بررسی و تبیین وجه مثبت خود اجتماعی، یعنی خود اجتماعی عادل در سبک زندگی اسلامی پرداخته خواهد شد و هدف، براساس دستیابی و تبیین آن مشخص می‌گردد. مؤلفه‌های خود اجتماعی عادل براساس تفاسیر برآمده عبارتند از: رعایت عدالت اجتماعی، درک متقابل، بسط محبت، همدلی، توجه به تمایز اندیشه‌ها، گوش‌سپاری و به‌گزینی، اصل تمایز، یکپارچگی و خلوص، احترام، رابطه‌ی حسنه و گفت‌وگو در سطح فهم مراجع که در ادامه، به تشریح هریک با استناد به آیات و روایات و تفاسیر برآمده از آرای آیت‌الله جوادی آملی پرداخته می‌شود: مؤلفه‌های خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی مبتنی بر قرآن کریم چیست و چه ویژگی‌هایی را در بر می‌گیرد؟

۴-۱. رعایت عدالت اجتماعی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «تحقیقاً ما رسولان خود را با براهین آشکار فرستادیم و کتاب و قانون را با آنها (برای مردم) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند».^۱ ملاحظه می‌شود که اولین قانون، در ارتباط انسان با انسان- از هر گروه و قوم و ملتی که باشند- رعایت عدالت است در آیات دیگری نیز تفاوت استعداد انسان‌ها را زمینه‌آزمون و وسیله‌ی توزیع عادلانه‌ی کارهای اجتماعی و تسخیر متقابل افراد جامعه می‌داند و هرگونه تحقیر و هتک حیثیت یا بهره‌وری رایگان و انتفاع یک‌جانبه را مطرود می‌شمارد: «او است کسی که شما را در زمین جانشین [یکدیگر] قرار داد و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد؛ تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید».^۲ پس، روشن می‌شود که هرگونه مواهب الهی، آزمون بندگان خدا است؛ نه تکریم واجدان و تحقیر فاقدان آنها و هدف آن، تقسیم عادلانه‌ی وظایف اجتماعی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ذ). در سوره‌ی حجرات آیه ۱۳ نیز مطرح شده است: «ای انسان! ما شما را از زن و مرد آفریدیم و شما را شعبه‌ی شعبه و قبیله‌ی قبیله قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید. باکرامت‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شما است».^۳ خداوند در این آیه، شعبه‌ی شعبه آفریدن انسان‌ها را فقط عاملی برای تمایز و مورد شناخت قرار گرفتن می‌داند؛ لذا در ادامه، تقوی را به‌عنوان معیار کرامت و برتری انسان‌ها معرفی می‌کند، نه توانایی او در کسب سود و استثمار بیشتر (همان). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، خداوند در ارتباط

۱. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵).

۲. «هو الذی جعلکم خلافت فی الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فی ما آتاکم ان ربکم لسریع العقاب و انه لغفور رحیم» (انعام، ۱۶۵).

۳. «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم ان الله علیم خبیر» (حجرات، ۱۳).

انسان با دیگران با جلوگیری از هر نوع فخر فروشی و تأکید بر رعایت عدالت در روابط بین انسان‌ها می‌خواهد ادراک انسان از خود را هماهنگ با کرامت و مدنیت فطری وی شکل دهد (همان).

۴-۲. توجه به تمایز اندیشه‌ها

بهترین روش در اسلام برای جلوگیری از هرگونه انحرافات فکری، ایجاد فضای مناسب برای تبادل اندیشه‌ها و تضارب آراء است که قرآن از آن به «مراپطه» یاد می‌کند: «ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید و با یکدیگر پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید»^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۹ پ). موجودی متفکر به نام انسان، اگر بخواهد با هم‌نوع خود مراپطه برقرار کند؛ اصل‌ترین راه ارتباط، «ارتباط فکری» است. برای ارتباط متقابل، باید تفاهم صورت گیرد و انسان‌ها سخن یکدیگر را درک کنند و درک سخن دیگران، با تدبّر و تفکر در مکتب و عقیده آنان صورت می‌پذیرد. ارتباط دو انسان، تنها با دانستن زبان یکدیگر مقدور نمی‌گردد؛ بلکه علاوه بر آن، لازم است که از فکر و مکتب و عقیده او نیز باخبر بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ع). خداوند در سوره نمل، برای تشویق انسان‌ها به تفکر و آزادی اندیشه و تعامل فرهنگ‌ها، به توصیف رابطه‌ای که میان بلقیس ملکه سبا و حضرت سلیمان صورت می‌گیرد، می‌پردازد و ایمان آوردن بلقیس را ناشی از این رابطه می‌داند: «خوی بت‌پرستی، او (بلقیس) را از ایمان آوردن منصرف می‌کرد؛ ولی در عین حال، راه فطرت و اندیشه و تصمیم‌گیری به رویش گشوده بود. لذا، وقتی وی از نزدیک با سلیمان گفت‌وگو کرد، بعد از یک سلسله مناظره و مباحثه و محاوره و سؤال و جواب، گفت: «خدایا، من به خودم ستم کردم، از اینکه تو را نپرستیدم و من همراه سلیمان به کوی تو می‌آیم»^۲ (جوادی آملی، ۱۳۸۴).

۴-۳. توجه به سطح فهم دیگران

در ارتباط با دیگران باید توجه داشت که انسان‌ها گوناگون‌اند؛ لذا، چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر نیز مختلف خواهد بود. از آنجا که انسان‌ها یکسان نمی‌اندیشند، بلکه بعضی از استعداد بالایی برخوردارند و بعضی دارای استعداد متوسط‌اند؛ باید به میزان فهم و رشد عقلی آنها با آنان سخن گفت. لذا، خدای سبحان به پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: «با فرزندان امت با حکمت و برهان سخن بگو و متوسطان را از راه نصیحت و موعظه به راه خدا دعوت کن و با آنها که خوی جدال و تلاش فکری دارند، از راه جدال احسن مجادله کن»^۳ (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ب). از امام (ع) پرسیده شد که جدال غیر احسن چیست و

۱. «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» (آل عمران، ۲۰۰).

۲. «وصدها ما كانت تعبد من دون الله انها كانت من قوم کافرين... رب انی ظلمت نفسی و اسلمت مع سلیمان لله رب العالمین» (نمل، ۴۴-۴۳).

۳. «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن...» (نحل، ۱۲۵).

ایشان فرمود: «جدالی نازیبا و ناپسند که در اثر ضعف فکری خود، یا سوءاستفاده از ضعف فکری رقیب، حقی را انکار کنید یا باطلی را بپذیرید». جدال احسن آن است که معادل، جز حق نگوید و جز حق را نپذیرد؛ با سستی سخن نگفته، از ضعف رقیب سوءاستفاده نکند، بلکه سخن متقن و مستحکم بگوید (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب). قرآن کریم جریان مجادله‌ای که بین حضرت ابراهیم و نمرود صورت گرفته را اینگونه توصیف می‌کند: «[ابراهیم] در آغاز احتجاج، از برهان زنده کردن و میراندن سخن گفت؛ ولی نمرود گفت که من هم می‌توانم و اینگونه، ابراهیم با مغالطه نمرود روبه‌رو شد. سپس، ابراهیم گفت که خداوند خورشید را از طرف مشرق برآورد، تو اگر می‌توانی از مغرب بیرون آر و آن نادان کافر از جواب عاجز ماند»^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف).

۴-۴. گوش کردن به نظرات دیگران

فراهم آوردن مجال ارائه نظر و فکر برای دیگران و استماع سخنان و نظرات آنان، امر مطلوبی است؛ ولی این کثرت در مقام تفاهم و تبادل نظر است، نه اینکه بیان‌کننده کثرت واقعیت باشد؛ زیرا واقعیت، یکی است و انسان نیز باید تلاش کند تا به واقعیت واحد دست یابد. به بیان دیگر، در تشخیص واقعیت ممتاز و یگانه، راه‌های مختلفی وجود دارد که بعضی مصیب بوده، به حق و واقع می‌رسد و بعضی نیز مخطی است و به واقع نمی‌رسد. پس برای اینکه انسان به واقع برسد، باید نظرات دیگران را بشنود و سپس، نظر احسن را در میان آن نظرات انتخاب کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ب). از همین‌رو است که خداوند در قرآن کریم جامعه بشری را تشویق می‌کند و به آنها دستور می‌دهد که سخنان مکتب‌های گوناگون را بشنوند و بهترینش را برگزینند^۲ (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف).

۴-۵. رعایت یکپارچگی و خلوص

انسان وقتی می‌تواند میان دیگران یا خود و دیگری رابطه حسنه برقرار کند که در درون خویش پیوند و اتحادی ناگسستگی میان عقاید، اخلاق و عملش برقرار کند؛ وگرنه در ایجاد هرگونه اتحاد بیرونی ناکام می‌ماند؛ زیرا انسان منافق و دوشخصیتی که هر روز به رنگی درمی‌آید و نمی‌تواند خود را یکی و متحد کند، چگونه می‌تواند با اغیار متحد شود و دیگران را متحد سازد؟ (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ت). خداوند متعال، دل‌های منافقان را مریض می‌خواند^۳ و ایمان و التزام به عمل را اساس رهایی و نجات از ضرر و

۱. «الم تر الى الذي حآج ابراهيم في ربه ان آتاه الله الملك اذ قال ابراهيم ربى الذى يحيى ويميت قال انا احىيى واميت قال ابراهيم فان الله يأتى بالشمس من المشرق فأت بها من المغرب فبهت الذى كفر والله لا يهدى القوم الظالمين» (بقره، ۲۵۸).

۲. «فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه» (زمر، ۱۷-۱۸).

۳. «فى قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب اليم بما كانوا يكذبون» (بقره، ۱۰).

خسران می‌داند که بشریت همواره در طول تاریخ با آن روبه‌رو بوده است: «همانا انسان در خسران است، به‌جز آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند»^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف).

۴-۶. رعایت رابطه‌ی حسنه با دیگران

از آنجاکه انسان در احسن تقویم آفریده شده، شایسته‌ی پرورش چنین موجودی، برخوردی احسن است. از این‌رو، قرآن کریم می‌فرماید: «به‌بندگانم بگو همیشه سخن نیکو و بهتر را به زبان آورید که شیطان میانشان را به هم می‌زند»^۲. یا در جای دیگری می‌فرماید: «با مردم به زبان خوش سخن بگویید»^۳. در این آیه، منظور از سخن گفتن (قول)، برخورد لفظی نیست؛ بلکه مطلق رفتار و معاشرت است که باید به وجه زیبا انجام پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۷۲).

۴-۷. نرم‌خویی و محبت با دیگران

قرآن کریم مهم‌ترین عاملی را که باعث جذب و کشش مردم است، حسن خلق و نرم‌رفتاری می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ت)؛ لذا، به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «این‌ها که در اطراف تو جمع‌اند به‌سبب مهربانی، رأفت و محبت تو است و اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی، مردمان از گرد تو پراکنده می‌شدند»^۴ (جوادی آملی، ۱۳۸۴). همچنین، درباره‌ی ارتباطات مسلمانان با یکدیگر به‌طور خاص می‌فرماید: «اگر مسلمانی با شما بد کرد، شما درصدد از پا درآوردن رقیب مسلمان خود نباشید؛ بلکه سعی کنید تا رقابت زدوده شود. زیرا، اگر دشمنی و رقابت زدوده شد، رقیب و دشمن به دوست گرم و صمیمی مبدّل خواهد شد»^۵.

۴-۸. رعایت احترام دیگران

خداوند متعال، حفظ احترام متقابل را بر همگان لازم می‌داند؛ تا در پرتو تأمین کرامت همه‌ی افراد متدین و متعهد، زمینه‌ی پیدایش مدینه فاضله فراهم گردد (جوادی آملی، ۱۳۷۲). لذا، ضمن آنکه بر رابطه‌ی برادری بین مؤمنین^۶ تأکید می‌فرماید، برای حفظ احترام متقابل، دستورات اخلاقی متعددی را نیز مطرح

۱. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خَسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...» (عصر، ۲-۳).

۲. «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ...» (اسراء، ۵۳).

۳. «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» (بقره، ۸۳).

۴. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ...» (آل عمران، ۱۵۹).

۵. «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَالسَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (بقره، ۱۹۴).

۶. «... إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» (حجرات، ۱۰).

می‌نماید؛ از جمله در سوره حجرات می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگز همدیگر را مسخره نکنید، شاید دیگری از شما بهتر باشد». یا در سوره مجادله به مؤمنین توصیه می‌کند که در محافل و مجالس عمومی برای دیگران حرمت و ادب به‌جا آورید و سعی کنید که کمترین بی‌حرمتی به شخصیت آنان نشود و بزرگی خود را در ارتباط با خدا ادراک کنید، نه به وسیله جایگاهی که نشسته‌اید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه به شما گفته شود در مجالس (برای دیگران) جا باز کنید، پس جا باز کنید؛ تا خدا نیز برای شما گشایش دهد و هرگاه گفته شود برخیزید، برخیزید (بزرگی، به نشستن در جای خاص نیست، بلکه)؛ خدا از میان شما کسانی را که ایمان آورده و کسانی را که صاحب علم و دانش‌اند، به درجاتی رفعت و بزرگی می‌دهد»^۱ (جوادی آملی، ۱۳۹۰، الف).

۹-۴. همدلی با دیگران

انسان به مقتضای فطرت خود از رنج و زحمت دیگر انسان‌ها ناراحت و از سعادت آنان خوشحال و مسرور می‌شود. این خصوصیت، همان‌گونه که بنابر حدیث رسول اکرم (ص) لازمه ایمان است،^۲ لازمه فطرت انسان نیز هست؛ چون آدمی، مفلطور بر ایمان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ذ). از همین‌رو، خداوند متعال می‌فرماید: «به خاطر دوستی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند».^۳

۱۰-۴. درک متقابل

فطرت آدمی به‌گونه‌ای است که خود را در برابر حقوق دیگران مسئول می‌داند. آنچه را برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز همان را اختیار می‌کند و هر چیزی را که برای خود نمی‌پسندد، برای دیگران هم نمی‌پسندد. بر این اساس، قرآن کریم می‌فرماید: «چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید، در حالی که خود آن را فراموش می‌کنید».^۴ در حقیقت مدنیت فطری انسان، هیچ‌گاه با غارت منابع طبیعی و تجاوز به حقوق دیگران سازگار نیست؛ او گرچه به تناسب نیازهای مادی خود به دنبال منافع دنیوی است؛ ولی برای نیل به منافع خود، مصالح دیگران را پایمال نمی‌کند. او نه تنها هیچ‌گاه به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند، بلکه سعی در مطابقت دارد. انگیزه‌های دنیوی و چشم‌داشت‌های مادی، توجیه‌کننده کمک‌ها و مساعدت‌های او به دیگران نیست و وجه فطرت حنیف الهی او، به جهت آنکه همیشه به‌سوی مبدأ لایزال ربوبیت متوجه است، با انگیزه‌ها و پاداش‌های محض دنیوی و مادی سیراب نخواهد شد. لذا، او همواره

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَقَسَّعُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا لَكُمِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله، ۱۱).

۲. «لا يَسْتَكْمِلُ الْمَرْءَ الْإِيمَانَ حَتَّى يَحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يَحِبُّ لِنَفْسِهِ».

۳. «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَاسِيرًا» (انسان، ۸).

۴. «اتامرون الناس بالبرو وتنسون انفسكم» (بقره، ۴۴).

در آن سوی هر فعالیتی اعم از کمک و مساعدت به همنوعان خویش، آب حیات و گمشده واقعی خود را می‌جوید^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ذ).

۴-۱۱. رعایت اصل توحید در روابط با دیگران

در نهایت، قرآن کریم به یک اصل کلی در روابط انسانی اشاره می‌کند و آن این است که تنها پیوندی که انسان‌ها را به هم مرتبط می‌کند، امثال فرمان الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، چ)؛ یعنی اگر کسی رابطه خود را با خدا از طریق غفلت‌زدایی، مستحکم کند، مشمول مهر خداوند خواهد بود و او دل‌های جامعه را نیز به سمت وی متوجه خواهد کرد^۲ (جوادی آملی، ۱۳۸۶). در حقیقت، خداوند، زندگی اجتماعی استوار بر اصل توحید (یکتاپرستی) را عامل سعادت و پیشرفت می‌خواند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ب).

۵. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین مؤلفه‌های خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی مبتنی بر برداشت جوادی آملی از قرآن کریم است. سبک زندگی، بیانگر شیوه زندگی با تأثیرپذیری از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های انسان به جهان هستی است و در چگونگی شکل‌گیری خود اجتماعی فرد، تأثیر به‌سزایی دارد. در سبک زندگی الهادی که مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی مکتب انسان‌گرایی است، سهم ارتباط انسان با خدا نادیده گرفته می‌شود و نگاه مادی و غیرتحویلی از کاستی‌های این رویکرد است؛ در حالی که نگرش حق‌مدارانه که همواره همراه ارزش‌های عدل‌محورانه است، محوریت سبک زندگی اسلامی را برعهده دارد (دیباجی و توکل‌نژاد، ۱۳۹۵). شاخصه اجتماعی از مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی است که چگونگی زیستن اجتماعی فرد را مشخص می‌کند. از این جهت، این تحقیق با نتایج تحقیقات کینگ و چرچ (۲۰۱۳)، فرناندز جیسوس و همکاران (۲۰۱۸)، لیو، توماس و هیگز^۳ (۲۰۱۹)، نایی و محمدی‌تلور (۱۳۹۲)، محرم‌زاده و نوری (۱۴۰۰) و خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۳) همسو است. از دیدگاه جوادی آملی، برداشت می‌شود که خود اجتماعی در دو سطح تحولی نازل و متعالی شکل می‌گیرد. سطح نازل یا خود اجتماعی ظالم معادل است با درکی که انسان از خود در سبک زندگی مادی‌گرایانه دارد. در این سطح، انسان در ارتباط با دیگران فقط به دنبال کسب منافع شخصی خواهد بود. آنچه در اندیشه سبک زندگی مادی‌گرایانه محوریت دارد، منفعت‌گرایی و رویکردی نتیجه‌محور است که براساس آن، افراد به دنبال کسب بیشترین سود برای خویشتن هستند. از آنجایی که انسان موجودی

۱. «إِنَّمَا نُنْطَعِمُكُمْ لِيُحِبَّ اللَّهُ لَا تَرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا: ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم» (انسان، ۹).

۲. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وِدًّا» (مریم، ۹۶).

3. Liu, Thomas & Higgs

اجتماعی است که در دل تعامل با اجتماع تکامل می‌یابد؛ محوریت این نگاه می‌تواند در درازمدت، رضایت از زندگی و بهزیستی را به‌طور کلی کاهش دهد (هودرس و پندلار^۱، ۲۰۱۲).

سطح متعالی خود اجتماعی، وجه ممیزه سبک زندگی اسلامی از سبک زندگی الحادی است. در این سطح، انسان فطرت الهی را به‌عنوان حقیقت وجودی خود ادراک می‌کند؛ لذا، در ارتباط با دیگران مبتنی بر عدالت اجتماعی رفتار می‌کند و خود اجتماعی عادل را پرورش می‌دهد. جوادی آملی معتقد است که خداوند متعال به‌واسطه آیات متعدد، سبک زندگی اجتماعی مبتنی بر مدنیت فطری انسان را به او یادآوری می‌کند تا وی در ارتباط با دیگران، خود را موظف به رعایت عدالت اجتماعی و عدم بهره‌کشی از دیگران کند. در نظام سیاسی اسلام، عدالت اجتماعی، فلسفه حکومت به‌شمار می‌آید. بعثت تمامی پیامبران برای برقراری عدالت در میان مردم است و همه پیغمبران برای برقرار کردن عدالت آمده‌اند. این بدان معنا است که تنها ابزار رسیدن انسان به سعادت و قرب الهی، برقراری عدالت و ملتزم بودن به آن در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی است (کریم‌زاده، ۱۴۰۰). توجه به سطح فهم دیگران، همدلی، درک متقابل و گوش‌سپاری و به‌گزینی، ازجمله ویژگی‌هایی است که در سطوح اجتماعی، جهان و افق افراد را به یکدیگر نزدیک کرده و مانع از سوءبرداشت‌ها می‌شود. لذا، قرآن در آیات بسیاری به چنین خصایصی در جامعه اسلامی تأکید کرده و آنها را ازجمله ویژگی‌های انسان اجتماعی مطلوب از دیدگاه الهی ذکر کرده است. بررسی آیات قرآنی نشان‌دهنده تأکید بر همدلی است. از نظر اسلام، بخش مهمی از نیازهای اساسی انسان، نیازهای عاطفی است که با اولین مؤلفه رفتار حمایتی، یعنی همدلی، ارتباط دارد. بسیاری از اختلال‌ها و نارسایی‌های شخصیتی و خلقی و رفتاری در بی‌توجهی به این نیاز اساسی و در کمبود آن ایجاد می‌شود. همه انسان‌ها نیاز به محبت، عاطفه و توجه دیگران دارند. همچنین، برای پرورش کمالات انسانی در خود نیازمند هستند که به دیگران محبت کنند و دیگران را از عاطفه و توجه خویش بهره‌مند سازند. اسلام توجه ویژه‌ای به روابط اجتماعی دارد و در قالب معیارهای الهی به پرورش روح جمعی می‌پردازد و جامعه را به‌سوی تقوا، نوع‌دوستی، اتحاد و همدلی دعوت می‌کند (یاری قلی و خسروشاهی، ۱۳۹۷).

هماهنگی در گفتار و عمل، احترام و نهایتاً برقراری رابطه حسنه در تعاملات اجتماعی، دیگر مؤلفه‌های تأکیدشده در سبک زندگی اجتماعی از دیدگاه اسلام است. اخلاق نیکو و رفتار پسندیده با مردم از مهم‌ترین عوامل موفقیت و پیشرفت انسان در اجتماع است و حتی رواج آن در میان اقشار مختلف، در بسط و گسترش عدالت در جامعه مؤثر خواهد بود. قرآن کریم، اخلاق نیکو (حسن خلق) را عامل موفقیت پیامبر اسلام (ص) در جذب مردم می‌داند. شاید بتوان گفت که رفتار شایسته و برخورد

صحیح با افراد در اجتماع، چه بسا باعث تقویت روابط و مناسبات اجتماعی شده و زمینه‌های حل بسیاری از مشکلات و گرفتاری‌های مردم را فراهم و از بسیاری از عواقب و پیامدهای زندگی ماشینی جلوگیری می‌کند (فاتحی، ۱۳۹۸). در حقیقت، همه آنچه گفته شد و مفاهیمی همانند همکاری، تفاهم، مساعدت، مشارکت، احساس همدردی، از خودگذشتگی، ایثار و مانند آن، از جلوه‌های اجتماعی فطرت سلیم آدمی است که مدنیت موردنظر دین نیز بر پایه چنین اموری شکل می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۹). این تعریف از مدنیت از پایه‌های اساسی شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی است که فرد را قادر می‌سازد تا ضمن شناخت بهتر خود و دیگران به ایجاد ارتباطات مناسب با مردم و سازگاری با محیط و اجتماع بپردازد (رنج‌دوست، ۱۳۹۷). در واقع، در این سبک زندگی، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر آموزه‌های اسلام باشد (افشانی و همکاران، ۱۳۹۳). ابراهیمی مقدم (۱۴۰۰) نیز به‌طور کلی اصولی همچون هدف‌گرایی، رعایت انصاف و عدالت، معرفت‌گرایی، دعوت به نیکی و مبارزه با فساد، عمل به تعهد متقابل، امانت‌داری و برقراری رابطه صالح را از ویژگی‌های حیات اجتماعی در اسلام برمی‌شمارد. با توجه به رویکردهای هستی‌شناختی ارائه‌شده در دین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اساساً الگویی با انسجام درونی و بیرونی، احصاء‌پذیر از آموزه‌های اسلام با عنوان «سبک زندگی اسلامی» ممکن خواهد بود و این سبک زندگی، هویت شخصی و اجتماعی خاص خود را تولید خواهد کرد. تقسیم‌بندی خود اجتماعی به دو سطح خود اجتماعی ظالم و عادل و تعیین مؤلفه‌های خود اجتماعی عادل در سبک زندگی اسلامی که در پژوهش حاضر محقق شد، از نوآوری‌های این تحقیق است و می‌تواند گامی نو در جهت گسترش پژوهش‌ها در زمینه ادراک خود، سبک زندگی و روانشناسی اسلامی باشد.

منابع

قرآن کریم.

ابراهیمی مقدم، غلامرضا (۱۴۰۰). اصول جامعه‌مدنی اسلامی از نگاه قرآن. پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی، ۲۷(۱)، ص ۳۶-۵.

افشانی، علیرضا؛ رسولی‌نژاد، پویا؛ کاویانی، محمد؛ سمیعی، حمیدرضا (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد. مطالعات اسلام و روانشناسی، ۸(۱۴)، ص ۱۰۳-۸۳.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ الف). ادب قضا در اسلام. قم: نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). هدایت در قرآن. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). زن در آیه جلال و جمال. قم: انتشارات اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ الف). سیره رسول اکرم در قرآن. قم: انتشارات اسراء، ج ۸.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ ب). سروش هدایت، قم: انتشارات اسراء، ج ۳.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). مراحل اخلاق در قرآن. قم: انتشارات اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ الف). نسبت دین و دنیا. قم: انتشارات اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ ب). دین‌شناسی. قم: انتشارات اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ الف). تسنیم. قم: انتشارات اسراء، ج ۱۲.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ب). پیامبر رحمت. قم: انتشارات اسراء، ج ۱۰.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ت). اسلام و روابط بین‌الملل. قم: انتشارات اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ پ). جامعه در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم). قم: انتشارات اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ت). انتظار بشر از دین. قم: انتشارات اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ج). سیره پیامبران در قرآن. قم: انتشارات اسراء، ج ۷.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ذ). اسلام و محیط زیست. قم: انتشارات اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ س). تسنیم. قم: انتشارات اسراء، ج ۱۰.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ع). ولایت فقیه. قم: انتشارات اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ ب). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: انتشارات اسراء.

حسین‌پور، رضا؛ بلایی اسکویی، آریشا؛ کی‌نژاد، محمدعلی (۱۳۹۶). تبیین سبک زندگی اسلامی (رضوی)؛ راهکارهایی در جهت تداوم آن در جامعه ایرانی. فرهنگ رضوی، ۱۹(۵)، ص ۳۹-۷.

خواججه‌نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلیا؛ همت، صغری (۱۳۹۳). مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر بندرعباس). تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۷(۱)، ص ۹۴-۶۹.

<https://doi.org/10.7508/ijcr.2014.25.004>

دیباچی، محمدعلی؛ توکل‌نژاد، مهدی (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از منظر جوادی‌آملی و امکان بازنمایی آن در رسانه‌های مدرن. پژوهش‌نامه سبک زندگی، ۲۱(۲)، ص ۳۲-۷.

ذکایی، محمدسعید؛ طالبی، ابوتراب؛ انتظاری، علی (۱۳۹۶). مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی. جامعه پژوهی

- فرهنگی، (۱)۸، ص ۴۴-۲۳.
- رنج دوست، شهرام (۱۳۹۷). همبستگی سبک زندگی اسلامی با سلامت معنوی و اجتماعی. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۲(۴)، ص ۱۸۷-۱۹۴.
- سلم آبادی، مجتبی؛ فرحبخش، کیومرث؛ ذوالفقاری، شادی؛ صادقی، میثم (۱۳۹۴). بررسی ارتباط سبک زندگی اسلامی با سلامت روان دانشجویان دانشگاه بیرجند. *دین و سلامت*، ۳(۱)، ص ۱۰-۱.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۹۹). *اخلاق ناصری*. تهران: نشر خوارزمی.
- فاتحی، فواد؛ فیاض، ایراندخت؛ بهشتی، سعید؛ بلندهمتان، کیوان (۱۳۹۸). تحلیل مبانی تربیت شهروندی از منظر آموزه‌های قرآن کریم. *پژوهش دینی*، شماره ۳۹، ص ۲۶۳-۲۳۵.
- فولادی، محمد (۱۳۹۲). سبک زندگی دینی، جامعه و انسان دینی. *معرفت*، ۲۲(۳)، ص ۵۱-۷۰.
- کریم‌زاده، رحمت‌الله (۱۴۰۰). رابطه جامعه توحیدی و عدالت اجتماعی در کلام امام رضا(ع). *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۷(۲)، ص ۱۰۰-۷۹.
- کسل، فیلیپ (۱۳۹۶). *چکیده آثار آنتونی گیلنر*. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: نشر ققنوس.
- کوری، جرالند (۱۴۰۰). *نظریه و کاربرد مشاوره و روان‌درمانی*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ارسباران.
- محرّم‌زاده، مهرداد؛ نوری، محمدسیوان (۱۴۰۰). تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی از طریق اوقات فراغت در بین دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. *جامعه‌شناسی ورزش*، ۶(۱۶)، ص ۱۸۸-۲۰۴.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*. تهران: نشر جامعه‌شناسان، ج ۱.
- محمدمیرزائی، حسن؛ ذوالفقاری، ابوالفضل؛ حقیظی نافعجی، فاروق (۱۳۹۸). *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۵(۲)، ص ۲۸-۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. قم: نشر مؤسسه امام خمینی.
- ملایی، فاطمه؛ جلالی‌ریگی، مهری؛ فولادی، محسن؛ مومن‌جو، نرگس (۱۴۰۱). نقش پابندی به سبک زندگی اسلامی و سرسختی روان‌شناختی در میزان تعارضات زناشویی. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۶(۲)، ص ۳۱-۵۰.
- نایی، هوشنگ؛ محمدی‌تلور، ستار (۱۳۹۲). تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه تجربی جوانان شهر سنندج). *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۴(۴)، ص ۱۵۲-۱۳۱.
- نوروزی، رضا (۱۳۹۹). نقش خودشناسی در سبک زندگی اسلامی از منظر عقل و دین. *عقل و دین*، ۱۲(۲۲)، ص ۷۵-۱۸۲.
- یاری‌قلی، بهبود؛ خسروشاهی، جعفر (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی مفهوم همدلی از منظر روانشناسی و مبانی اسلامی. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۲(۳)، ص ۱۶۳-۱۵۵.

Fernandes-Jesus, M., Lima, M.L. & Sabucedo, J.M. (2018). Changing identities to change the world: Identity motives in lifestyle politics and its link to collective action. *Political Psychology*, 39(5), p.1031-1047. <https://doi.org/10.1111/pops.12473>

Hornsey, M.J. (2008). Social identity theory and self-categorization theory: A historical review. *Social and personality psychology compass*, 2(1), p. 204-222. <https://doi.org/10.1111/j.1751-9004.2007.00066.x>

- Hudders, L. & Pandelaere, M. (2012). The silver lining of materialism: The impact of luxury consumption on subjective well-being. *Journal of happiness studies*, no.13, p. 411-437. <https://doi.org/10.1007/s10902-011-9271-9>
- King, K. & Church, A. (2013). We don't enjoy nature like that: Youth identity and lifestyle in the countryside. *Journal of rural studies*, no. 31, p. 67-76. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2013.02.004>
- Liu, J., Thomas, J.M. & Higgs, S. (2019). The relationship between social identity, descriptive social norms and eating intentions and behaviors. *Journal of Experimental Social Psychology*, no. 82, p. 217-230. <https://doi.org/10.1016/j.jesp.2019.02.002>
- Markus, K.A. & Borsboom, D. (2013). *Frontiers of test validity theory: Measurement, causation, and meaning*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203501207>